

The Effect of Problem-Solving Styles on the Self-Efficacy of Auditors of the Iran Court of Audit (Cassidy's Cognitive and Behavioral Theory Test)

Reza Nemati Koshteli*¹, Mohammad Bagher Mohammadzadeh Moghaddam²

1. Assistant Professor, Department of Accounting, Islamshahr Branch, Islamic Azad University, Islamshahr, Iran.
2. PhD. in Accounting, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Received: 2022/02/04

Accepted: 2022/07/14

Abstract

Subject and Purpose of the Article: Self-efficacy refers to the auditor's belief in individual competencies that enable the auditor to have more control over existing situations, thereby improving professional performance and judgment. Therefore, the auditor's self-efficacy can be affected by problem-solving styles. In this research, the effect of problem-solving styles on the self-efficacy of auditors of the Supreme Audit Court of Iran has been investigated.

Research Method: The research method of the present study is a descriptive survey and from the perspective of the purpose, it is applied research, which has used the standard questionnaire instrument. The research sample is 406 auditors of the Supreme Audit Court of Iran who were selected by simple random sampling.

Research Findings: The results show that problem-solving styles have a significant effect on the self-efficacy of auditors of the Supreme Audit Court of Iran. Thus, creative styles, confidence, trends, failure, avoidance, and avoiding have the greatest impact on the auditor's self-efficacy, respectively.

Conclusion, Originality and its Contribution to the Knowledge: The results of this study, can help the Supreme Audit Court to consider their problem-solving styles in recruiting new auditors, so as to increase the quality of auditing by improving individual self-efficacy. Therefore, the results of this study can incorporate the concepts of Cassidy's Cognitive and Behavioral Theory into behavioral research texts in governmental auditing.

Keywords: Cassidy's Cognitive and Behavioral Theory, Problem-Solving Styles, Self-Efficacy, Structural Equation Modeling, Supreme Audit Court of Iran.

JEL Classification: M42.



تأثیر سبک‌های حل مسئله بر خودکارآمدی حسابرسان دیوان محاسبات ایران (آزمون نظریه شناختی و رفتاری کسیدی)

رضا نعمتی کشتلی*^۱، محمد باقر محمدزاده مقدم^۲

۱. استادیار، گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اسلامشهر، اسلامشهر، ایران

۲. دکتری گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۲۳

چکیده

موضوع و هدف مقاله: خودکارآمدی، به اعتقاد حسابرس به توانمندی‌های فردی اشاره دارد که موجب می‌شود حسابرس بر وضعیت‌های موجود کنترل بیشتری داشته باشد و از این طریق عملکرد و قضاوت حرفه‌ای را بهبود بخشد. بنابراین، خودکارآمدی حسابرس می‌تواند تحت تأثیر سبک‌های حل مسئله قرار گیرد. بدین منظور در این پژوهش، تأثیر سبک‌های حل مسئله بر خودکارآمدی حسابرسان دیوان محاسبات ایران بررسی شده است.

روش پژوهش: روش توصیفی-پیمایشی و از منظر هدف، از نوع کاربردی می‌باشد که از ابزار پرسش‌نامه استاندارد استفاده شده است. نمونه پژوهش ۴۰۶ نفر حسابرسان دیوان محاسبات است که با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. **یافته‌های پژوهش:** نتایج نشان می‌دهد که سبک‌های حل مسئله بر خودکارآمدی حسابرسان دیوان محاسبات تأثیر معنی‌دار دارند. بنابراین سبک‌های خلاقانه، اعتماد، گرایش، درماندگی، مهارگری و اجتناب به ترتیب بیشترین تأثیر را بر خودکارآمدی حسابرس دارند.

نتیجه‌گیری، اصالت و افزوده آن به دانش: نتایج این پژوهش می‌تواند به دیوان محاسبات کشور کمک کند در استخدام حسابرسان جدید، نوع سبک‌های حل مسئله آنان را در نظر گرفته، تا از این طریق با بهبود خودکارآمدی فردی، کیفیت حسابرسی را افزایش دهند. بنابراین، نتایج این پژوهش می‌تواند مفاهیم نظریه شناختی و رفتاری کسیدی را وارد متون پژوهش‌های رفتاری در حسابرسی دولتی کند.

واژه‌های کلیدی: مدل‌سازی معادلات ساختاری، نظریه شناختی و رفتاری کسیدی، خودکارآمدی، سبک‌های حل مسئله، دیوان محاسبات ایران.

طبقه بندی موضوعی: M42.

مقدمه

امروزه آشنایی با سبک‌های حل مسأله به افراد کمک می‌کند تا راهبردهای خود را در پردازش اطلاعات و تصمیم‌گیری‌ها بهبود بخشند و این امر موجب عدم سوگیری و کاهش اشتباهات می‌شود (زیدنی و همکاران، ۲۰۲۰). در همین راستا، مهارت‌های شناختی و رفتاری حسابرسان در فرایند حسابرسی، نقش مهمی بر بهبود کیفیت حسابرسی دارد. چراکه صورت‌های مالی حسابرسی شده با کیفیت بالا، به‌عنوان یکی از اطلاعات سودمند در تصمیم‌گیری موجب کاهش ریسک سرمایه‌گذاری می‌شود (توشنگ و همکاران، ۲۰۲۰). بنابراین نقش اصلی حسابرسی در جامعه، اعتباربخشی به گزارش‌های مالی شرکت‌ها و حصول اطمینان از ارائه منصفانه صورت‌های مالی است. به همین دلیل، انتظار می‌رود حسابرسان از دانش فنی و سبک‌های شناختی و رفتاری مناسب برای رسیدگی‌ها برخوردار باشند تا جامعه بتواند از اظهارنظرهای منصفانه آنان اطمینان حاصل کند (گلوور و پراویت، ۲۰۱۴).

در واقع خودکارآمدی حسابرس که به باورهای فردی اشاره دارد، بر عملکرد حرفه‌ای حسابرسان تأثیرگذار است و موجب بهبود ادراک فردی حسابرس در خصوص مهارت‌های حرفه‌ای در حسابرسی می‌شود. خودکارآمدی حسابرس نیز، به‌عنوان نوعی قضاوت حسابرس در خصوص عملکرد خود تعریف می‌شود که می‌تواند تحت تأثیر سبک‌های حل مسأله قرار گیرد (کسیدی، ۲۰۰۲). بنابراین به دلیل رابطه معنی‌دار بین حل مسأله و تصمیم‌گیری و قضاوت حرفه‌ای در حسابرسی، از سبک‌های حل مسأله جهت پاسخ به موضوعات تصمیم‌گیری و افزایش باور حسابرس به توانایی‌های ذاتی جهت ارزش‌گذاری مجموعه خاصی از نقاط قوت شناختی خود استفاده می‌شود (براون و مان، ۱۹۹۱). از سوی دیگر، نتایج پژوهش هنری و کراوفورد (۲۰۰۵) نشان می‌دهد که حسابرسان می‌توانند به واسطه سبک‌های حل مسأله مناسب، اعتماد به نفس و مهارت‌های حرفه‌ای لازم را کسب کنند و ادراک خود نسبت به توانایی‌های حرفه‌ای و عملکرد فردی را بهبود بخشند و از این طریق کیفیت حسابرسی را ارتقا دهند. همچنین آن‌ها دریافته‌اند که خودکارآمدی نیز رابطه مثبت و معنی‌داری با توانایی‌ها، اعتماد به نفس و هیجانات مثبت حسابرسان دارد. به همین منظور، تخصص حسابرسان دیوان محاسبات ایران که وظیفه نظارت و حسابرسی بخش‌های دولتی و سایر اشخاص مصرف‌کننده منابع دولتی را بر عهده دارند، بر اعتماد اجتماعی تأثیرگذار است و تخصص حسابرسان دیوان محاسبات ایران از طریق کیفیت حسابرسی آن‌ها بر اعتماد اجتماعی تأثیر مثبت دارد (امجدی و همکاران، ۱۳۹۹).

از این‌رو اهمیت بررسی سبک‌های حل مسأله به عنوان یکی از شاخص‌های اساسی روان‌شناختی و رفتاری، آن است که از این سبک‌ها به منظور اصلاح رفتار افراد در تصمیم‌گیری‌ها

استفاده می‌شود. بنابراین یکی از مولفه‌های مهم بهزیستی و سلامت روان‌شناختی افراد، توانایی حل مسأله است (نزو و دزوریلا، ۲۰۰۱). چراکه نظریه‌پردازان روان‌شناختی و رفتاری معتقدند بر اساس سبک‌های حل مسأله، افراد راهبردهای حل مسأله را انتخاب و نظارت می‌کنند و یک راه‌حل منطقی می‌گیرند. در این صورت سبک حل مسأله مناسب، موجب افزایش خودکارآمدی و تقویت باور حسابرس نسبت به توانایی‌هایش در انجام کارها می‌شود و توانایی‌ها، تجربیات و تفکر حسابرسان برای تصمیم‌گیری‌های مفید در یک مسیر آمیخته می‌شود (وولفوک، ۲۰۰۴). از این رو بر پایه نظریه شناختی و رفتاری کسیدی (۲۰۰۲)، سبک‌های حل مسأله با توانایی افراد در حل مسایل و تصمیم‌گیری‌ها رابطه مستقیم دارد و علاوه بر تقویت مهارت‌های فردی، بر بهبود ادراک حسابرسان نسبت به عملکرد فردی و قضاوت حرفه‌ای آنان تأثیرگذار است (مارگونایاسا و همکاران، ۲۰۱۹).

بنابراین، پرسش اصلی این پژوهش آن است که خودکارآمدی حسابرسان دیوان محاسبات ایران تا چه اندازه متأثر از سبک‌های حل مسأله به عنوان یکی از ویژگی‌های روان‌شناختی است؟ بنابراین پژوهش حاضر، در زمره پژوهش‌های بین‌رشته‌ای (حسابرسی و روان‌شناسی) قرار می‌گیرد که از مفاهیم سبک‌های حل مسأله برگرفته از نظریه روان‌شناسی شناختی و رفتاری و خودکارآمدی مطابق با نظریه شناختی اجتماعی استفاده شده است. پس هدف اصلی این مقاله، بررسی تأثیر سبک‌های حل مسأله طبق نظریه شناختی و رفتاری کسیدی بر خودکارآمدی حسابرسان دیوان محاسبات ایران است. در واقع، استفاده از مفاهیم و نظریه‌های روان‌شناسی در پژوهش‌های حسابرسی همواره در کانون توجه قرار داشته است. از این رو، دلیل انتخاب حسابرسان دیوان محاسبات ایران استوار بر وجود رویکردهای تخصصی و دانش‌افزایی است که به ایجاد روانکاوانه، افزایش خودکارآمدی و بهبود ادراک فردی حسابرس در خصوص مهارت‌های شناختی و رفتاری در این حرفه کمک می‌کند. بنابراین ضرورت و ارزش افزوده علمی این پژوهش را می‌توان به شرح زیر برشمرد: اول آن که، با توجه به اهمیت توانمندسازی روان‌شناختی حسابرسان در جهت بهبود ادراک فردی آنان نسبت به مهارت‌های تخصصی خود و ارتقا کیفیت حسابرسی، توجه به سبک‌های حل مسأله از جنبه روان‌شناختی و رفتاری در حرفه حسابرسی ضرورتی انکارناپذیر است. برپایه بررسی‌های انجام شده پژوهشی، تاکنون پژوهشی در ایران به این حوزه مطالعاتی نپرداخته است. بنابراین، نبود پژوهش کافی در حوزه روان‌شناختی و رفتاری حسابرسان دیوان محاسبات ایران، موجب شد تا نویسندگان مقاله حاضر را به نگارش درآورند. دوم آن که، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که کدام نوع سبک حل مسأله بیشترین تأثیر را بر خودکارآمدی حسابرس دارد که برآیند آن می‌تواند به عنوان اطلاعات مفید در اختیار خط‌مشی‌گذاران حرفه حسابرسی قرار گیرد.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

خودکارآمدی حسابرسان

خودکارآمدی، عبارت است از باور فرد به توانایی‌ها و مهارت‌های خود برای انجام دادن عملی طبق تمایل شخصی. در خودکارآمدی، رفتار فرد تحت تأثیر عوامل اجتماعی قرار می‌گیرد، اما چگونگی تأثیرگذاری بر عوامل اجتماعی تحت کنترل فرد است. در واقع، خودکارآمدی بر روی تعهد و تلاش برای دستیابی به هدف مطلوب تأثیرگذار است. بنابراین خودکارآمدی ضعیف، نشان‌دهنده نابسامانی توانمندی‌های شناختی و موجب تأثیر نامطلوب بر عملکرد حسابرسان می‌شود (اوگانیمی و مابکوجه، ۲۰۰۷). از آنجا که حرفه حسابرسی مبتنی بر رفتار حسابرسان و صاحب‌کار است، پس این حرفه می‌تواند با نظریه‌های شناختی و رفتاری رابطه داشته باشد. بنابراین، حسابرسان به عنوان افرادی متخصص و مستقل، باید از مهارت‌ها و توانایی‌های شناختی و رفتاری کافی برخوردار باشند تا بتوانند وظایف محول شده را به درستی انجام دهند. بدین منظور، انجام وظایف حرفه‌ای آنان به عوامل مختلفی وابسته است که خودکارآمدی حسابرسان به عنوان یکی از عوامل با اهمیت شمرده می‌شود (پارکر، ۱۹۹۸). از سوی دیگر حسابرسانی که خودکارآمدی کمتری دارند، ممکن است از کوشش زیاد برای رسیدن به اهداف موردنظر خودداری کنند و حسابرسانی که از خودکارآمدی بالاتری برخوردار هستند، تلاش بیشتری برای دستیابی به اهداف تعیین شده، صرف می‌کنند (استاکوویچ و لوتانس، ۱۹۹۸).

خودکارآمدی موجب می‌شود تا حسابرسان به دلیل ارزیابی مستمر عملکرد خود، از کیفیت عملکردی و رفتاری بالاتری نسبت به سایر حسابرسان برخوردار شود. به طوری که ادراک مناسب و مطلوب‌تر حسابرسان از عملکرد خود، موجب می‌شود تا حسابرسان در جهت ارتقای سطح کیفیت حسابرسی گام بردارد (پاجارس و اوردان، ۲۰۰۶). بدین منظور، بررسی خودکارآمدی حسابرسان از این جهت دارای اهمیت است که خودکارآمدی موجب ارتقا بینش و ادراک فردی حسابرسان نسبت به ویژگی‌ها و مهارت‌های تخصصی در حسابرسی می‌شود که می‌تواند تحت تأثیر سبک‌های شناختی و رفتاری قرار گیرد (افیفه و همکاران، ۲۰۱۵). از سوی دیگر، تفاوت‌های حسابرسان در ویژگی‌های شناختی و رفتاری می‌تواند بر تصمیم‌گیری‌های بی‌طرفانه و قضاوت حرفه‌ای آنان تأثیرگذار باشد و هر اندازه پردازش اطلاعات و ارزیابی شواهد در بستر مهارت‌های شناختی و رفتاری مناسب انجام گیرد، تصمیم‌گیری‌های حسابرسان عاری از جانبداری بوده و قضاوت حرفه‌ای آنان نیز با کیفیت‌تر خواهد شد. بنابراین، رابطه معنی‌داری بین عوامل شناختی و رفتاری و خودکارآمدی حسابرسان وجود دارد و سبک‌های حل مسأله بر افزایش عزت نفس حسابرسان برای انجام وظایف حرفه‌ای و توانمندسازی آنان برای منسجم کردن انگیزه‌ها به منظور رفع نیازهای فردی تأثیرگذار است (بالکر، ۲۰۰۰؛ افیفه و همکاران، ۲۰۱۵). از این رو، انتظار می‌رود حسابرسان خودکارآمد که

همواره حتی در شرایط سخت و دشوار به دنبال نیل به اهداف حرفه حسابرسی هستند، نسبت به سایر حسابرسان تعهد بیشتری به حرفه حسابرسی داشته باشند. بنابراین با توجه به این که خودکارآمدی حسابرسان می‌تواند تحت تأثیر سبک‌های حل مسأله قرار گیرد، بنابراین پیش‌بینی می‌شود خودکارآمدی حسابرسان نیز بر عملکرد و قضاوت حرفه‌ای آنان تأثیرگذار باشد.

سبک‌های حل مسأله

در روان‌شناختی از واژه سبک به منظور بیان تفاوت‌های افراد به کار برده می‌شود تا ساختارهای روانی و رفتار مشاهده شده در ارتباط با اشکال کارکرد عادی را تفسیر کند. مفهوم سبک تنها مختص روان‌شناسی شناختی نیست، بلکه دیگر شاخه‌های علم روان‌شناسی نیز تحت تأثیر این مفهوم قرار گرفته‌اند. به طوری که در سال‌های اخیر، مطالعه سبک‌ها از جنبه‌های شناختی و رفتاری به شکل فزاینده‌ای گسترش یافته است (سیف، ۱۳۹۰). امروزه به دلیل رابطه معنی‌دار بین سبک‌های شناختی و عملکرد افراد، توجه به سبک‌های حل مسأله به‌طور فزاینده‌ای توسط روان‌شناسان شناختی مورد توجه قرار گرفته است. از منظر روان‌شناختی، سبک‌های حل مسأله فرایندشناختی و رفتاری و حتی هوشمندانه هستند که افراد با به‌کارگیری این سبک‌ها راهبردهای موفقیت‌آمیز و موثر برای افزایش مهارت و توانایی جهت حل مشکلات را شناسایی می‌کنند. از این‌رو افراد باید بخشی از توان و قدرت شناختی، جسمی و عاطفی خود را صرف فراگیری دانش و مهارت‌های جدید کنند که یکی از مولفه‌های اساسی در عملکرد افراد، آگاهی و شناخت در زمینه سبک‌های حل مسأله است (لارگووایت، ۲۰۰۴).

از آنجا که در حوزه روان‌شناختی، اشخاص از تفاوت‌های فردی برخوردار هستند که با اتکا به آن در پاسخ به مسائل و تصمیم‌گیری‌های مناسب اقدام می‌کنند، بنابراین گستره فکری افراد به‌واسطه سبک‌های شناختی و رفتاری آنان تعیین می‌شود. در این راستا سبک‌های حل مسأله به عنوان روش‌های معمول افراد برای حل مسأله، تفکر، ادراک و یادآوری تفسیر می‌شود که رابطه معنی‌داری بین سبک‌های حل مسأله و بهبود توانایی‌ها و عملکرد افراد وجود دارد (اودفیلد، ۱۹۷۱؛ داف، ۲۰۰۴). در واقع، هر اندازه قضاوت حرفه‌ای حسابرسان بر پایه آگاهی‌ها و راهبردهای شناختی مناسب و بر اساس استانداردهای حرفه‌ای باشد، قابلیت اتکا گزارش‌های حسابرسی بیشتر می‌شود. از سوی دیگر، ویژگی‌های روان‌شناختی و رفتاری مانند سبک‌های حل مسأله بر باور حسابرس به ظرفیت‌ها و توانایی‌های خود در انجام دادن موفقیت‌آمیز کارها تأثیرگذار است (آزن، ۲۰۰۵). از سوی دیگر، نتایج پژوهش رسلان و همکاران (۲۰۱۷) نشان می‌دهد که تفاوت در ویژگی‌های شناختی و رفتاری حسابرسان، توانایی و مهارت‌های شناختی آنان را در جمع‌آوری و تحلیل شواهد حسابرسی برای قضاوت حرفه‌ای افزایش می‌دهد که این ویژگی‌ها می‌تواند کیفیت حسابرسی را از

طریق قابلیت اتکا بالای شواهد جمع‌آوری شده پشتوانه اظهارنظر حسابرس، افزایش دهد. همچنین ساها و شارما (۲۰۱۹) در پژوهشی تأثیر راهبردهای شناختی حسابرسان بر عملکرد آن‌ها را بررسی کردند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد که احساسات شهودی و انواع تفکر دیداری راهبردهای شناختی، به ترتیب بر آگاهی و شناخت و انجام انواع کارها تأثیرگذار است.

بر اساس نظریه شناختی و رفتاری کسیدی (۲۰۰۲)، سبک‌های حل مسأله مستلزم راهبردهای ویژه و هدفمندی است که فرد به وسیله آن مشکلات را تعریف می‌کند، تصمیم به اتخاذ راه‌حل مناسب می‌گیرد و راهبرد حل مسأله را انجام داده و بر آن نظارت می‌کند. از این‌رو، حل مسأله یک راهبرد مقابله‌ای مهم شمرده می‌شود که توانایی و پیشرفت شخصی و اجتماعی را افزایش و تیدگی نشانه‌های روانی را کاهش می‌دهد. به همین منظور، استفاده از روش‌های حل مسأله موجب افزایش و تقویت باور فرد نسبت به توانایی‌هایش می‌شود (گریگوری، ۲۰۱۰). در این راستا، به دلیل آن که افراد در برخورد با مسائل و مشکلات واکنش‌های متفاوتی از خود بروز می‌دهند، پس کارآمد یا ناکارآمد بودن واکنش‌های رفتاری افراد، تأثیر اساسی در کامیابی جسمی و روان‌شناختی آن‌ها دارد. به طوری که سبک‌های حل مسأله، بر باور فرد به توانایی‌های حرفه‌ای در انجام وظایف وابسته یا به عبارتی بر خودکارآمدی افراد تأثیرگذار است (رینهولد، ۲۰۰۸).

برپایه نظریه شناختی و رفتاری کسیدی (۲۰۰۲)، سبک‌های حل مسأله به شش دسته اصلی طبقه‌بندی می‌شوند که انواع و ویژگی‌های هر سبک به شرح زیر است: (۱) سبک اعتماد: در این سبک، افراد به توانایی‌های خود جهت حل مشکلات و تصمیم‌گیری‌ها اعتقاد دارند. (۲) سبک گرایش: در این سبک، افراد تمایل به مقابله رودررو با مشکلات را دارند و نگرش آن‌ها به کلیه امور مثبت است. (۳) سبک مهارگری: افراد در این سبک، به دلیل عدم کنترل شخصی یا باطنی جهت مقابله با مشکلات، در انجام هر فعلی ضعیف هستند. (۴) سبک درماندگی: افرادی که از این نوع سبک بهره می‌برند، از ویژگی‌های انفعال و کنش‌پذیری برخوردار هستند. این سبک به جهت‌یابی نیز معروف است و بی‌باوری فرد در موقعیت‌های مسأله‌زا را بیان می‌کند. (۵) سبک خلاقانه: در این سبک، افراد به برنامه‌ریزی و پردازش دقیق اطلاعات و تلاش در اتخاذ راه‌حل‌های متنوع بر حسب موقعیت‌های مسأله‌زا اقدام می‌کنند. (۶) سبک اجتناب: در این سبک، افراد تلاش می‌کنند به‌جای رویارویی با مشکلات، کنکاش و جستجوی اطلاعات به منظور حل مسائل را به آینده بسپارند (کسیدی، ۲۰۰۲؛ گریگوری، ۲۰۱۰).

نتایج پژوهش سکرکا و باگازی (۲۰۱۵) نشان می‌دهد که باور و اعتقاد حسابرس به مهارت‌ها و توانمندی‌های فردی، موجب می‌شود تا حسابرس به وضعیت‌های موجود کنترل بیشتری داشته باشد و قضاوت مناسب‌تری ارائه کند. بنابراین، خودکارآمدی حسابرس که از ارزیابی توانایی‌ها و مهارت‌های فردی حسابرس سرچشمه می‌گیرد، عملکرد حسابرس را تحت تأثیر قرار می‌دهد و کیفیت قضاوت حرفه‌ای و تقارن اطلاعاتی را افزایش می‌دهد. از سوی دیگر، پژوهش‌های رفتاری

در حسابرسی نیز بر این نکته تأکید دارند که تفاوت در عملکرد حسابرسان، نشان‌دهنده تأثیر معنی‌دار تفاوت‌های فردی حسابرس مانند سبک‌های شناختی و رفتاری بر کیفیت تصمیم‌گیری و قضاوت حرفه‌ای است. در واقع، عملکرد حسابرسان تا حدودی با به‌کارگیری فرایندهای شناختی شکل می‌گیرد و مطابقت کارهای حسابرسان با سبک‌های شناختی و رفتاری آنان، موجب بهبود خودکارآمدی و عملکرد حرفه‌ای می‌شود (پینکاس، ۱۹۹۰). بنابراین، وجود رابطه معنی‌دار بین ویژگی‌های شناختی و رفتاری مانند سبک‌های حل مسأله حسابرسان و نوع کار آن‌ها، باور فردی و توانایی‌های آنان را در حل مسأله و تصمیم‌گیری‌های مناسب بهبود می‌بخشد و سرانجام قضاوت حرفه‌ای حسابرسان را ارتقا می‌دهد (فولر و کاپلان، ۲۰۰۴). در همین راستا، نتایج پژوهش سایمون (۲۰۰۷)، نشان می‌دهد که بین سبک‌های حل مسأله و پردازش اطلاعات رابطه معنی‌داری وجود دارد. همچنین در سبک‌های حل مسأله برخلاف سایر رویکردهای شناختی، پردازش اطلاعات به نحو مطلوب و به شکل مناسب‌تری انجام می‌شود. در واقع، این سبک‌ها از جنبه رویکرد شناختی و رفتاری موجب می‌شوند تا فرایندهای جمع‌آوری، پردازش و تفسیر اطلاعات به شکل نظام‌مند برای دستیابی به اهداف و تصمیم‌های مناسب برانگیخته شوند. لوننبرگ (۲۰۱۱) نیز، در پژوهشی به این نتیجه رسید که سبک‌های حل مسأله بر خودکارآمدی حسابرس تأثیرگذار است. بنابراین این موضوع موجب افزایش عزت نفس حسابرس برای انجام وظایف حرفه‌ای می‌شود و می‌تواند باعث توانمندسازی حسابرس برای منسجم کردن انگیزه‌های شخصی به منظور رفع نیازهای خود شود. به همین منظور، سبک‌های حل مسأله به عنوان یکی از ویژگی‌های روان‌شناختی و رفتاری، بر توانایی حسابرسان در پردازش مناسب اطلاعات و خودکارآمدی آنان تأثیرگذار است. به طوری که سبک‌های حل مسأله، باور و اعتقاد حسابرسان نسبت به توانایی‌های فردی و مهارت‌های حرفه‌ای را تحت تأثیر قرار می‌دهد (دزوریلا و شیدی، ۱۹۹۲). با توجه به این شواهد، فرضیه اصلی مورد بررسی در این پژوهش به شرح زیر تدوین می‌شود:

فرضیه اصلی: سبک‌های حل مسأله با رویکرد شناختی و رفتاری کسب‌داری بر خودکارآمدی حسابرس تأثیر معنی‌دار دارد.

قیاسی (۲۰۱۵) در پژوهشی به این نتیجه دست یافت که بین سبک‌های حل مسأله و خودکارآمدی رابطه معنی‌داری وجود دارد. از سوی دیگر، مارگونایاسا و همکاران (۲۰۱۹) نیز بیان می‌کنند که بین ابعاد مختلف سبک‌های حل مسأله و خودکارآمدی حسابرس رابطه معنی‌داری وجود دارد. در واقع، آن‌ها به این نتیجه رسیدند که سبک‌های حل مسأله با توانایی‌ها و مهارت‌های حسابرسان در تصمیم‌گیری‌ها رابطه مستقیم دارد و این سبک‌ها مانند سایر عوامل روان‌شناختی نظیر سبک‌های شناختی و سبک‌های یادگیری بر خودکارآمدی حسابرسان تأثیرگذار است. همچنین نتایج پژوهش سامرز و همکاران (۲۰۰۰) نشان می‌دهد که به دلیل رابطه معنی‌دار بین مولفه‌های

سبک حل مسأله و عملکرد حسابرسان، تطابق سبک‌های حل مسأله با عملکرد آنان می‌تواند موجب افزایش خودکارآمدی حسابرسان و کاهش اثرات ناکارآمد تصمیم‌گیری و بهبود قضاوت حرفه‌ای در حسابرسی شود. افزون بر این، همپوشانی سبک‌های حل مسأله با عملکرد حسابرسان موجب کاهش فشار روانی و عدم همپوشانی سبک‌های حل مسأله با عملکرد حسابرسان تأثیر منفی بر خودکارآمدی آنان دارد و موجب استرس اضافی، کاهش تعهد سازمانی و رضایت شغلی حسابرسان می‌شود. بنابراین با استفاده از سبک‌های حل مسأله مناسب، حسابرسان راهبردهای مطلوب حل مسأله را انتخاب و نظارت می‌کنند و بر پایه آن، تصمیم به اتخاذ راه‌حل منطقی می‌گیرند. در این صورت نوع مناسب سبک حل مسأله، از بروز احساسات در تصمیم‌گیری‌ها جلوگیری می‌کند. به‌طوری‌که سبک‌های حل مسأله رابطه معنی‌داری با خودکارآمدی حسابرسان دارد و همچنین این سبک‌ها موجب افزایش باور حسابرس نسبت به توانایی‌هایش در گرفتن تصمیم‌های مفید و به‌دور از هرگونه سوگیری‌های مثبت یا منفی می‌شود (الیوت و همکاران، ۱۹۹۹). با توجه به این شواهد و با تأکید بر ابعاد مختلف سبک‌های حل مسأله طبق نظریه شناختی و رفتاری کسیدی، فرضیه‌های فرعی مورد بررسی در این پژوهش به شرح زیر تدوین می‌شوند:

فرضیه فرعی اول: سبک حل مسأله اعتماد بر خودکارآمدی حسابرس تأثیر معنی‌دار دارد.
 فرضیه فرعی دوم: سبک حل مسأله گرایش بر خودکارآمدی حسابرس تأثیر معنی‌دار دارد.
 فرضیه فرعی سوم: سبک حل مسأله مهارگری بر خودکارآمدی حسابرس تأثیر معنی‌دار دارد.
 فرضیه فرعی چهارم: سبک حل مسأله درماندگی بر خودکارآمدی حسابرس تأثیر معنی‌دار دارد.
 فرضیه فرعی پنجم: سبک حل مسأله خلاقانه بر خودکارآمدی حسابرس تأثیر معنی‌دار دارد.
 فرضیه فرعی ششم: سبک حل مسأله اجتناب بر خودکارآمدی حسابرس تأثیر معنی‌دار دارد.
 بنابراین در به‌کارگیری هر یک از سبک‌های شناختی و رفتاری طبق نظریه شناختی و رفتاری کسیدی (۲۰۰۲)، باید شرایطی فراهم شود تا افراد بتوانند علاوه بر دارا بودن ویژگی‌های یکی از سبک‌های شناختی و رفتاری، از توانمندی‌ها و مهارت‌های سبک‌های دیگر نیز، برخوردار شوند. چراکه با توجه به نقاط قوت و ضعف هر یک از این سبک‌ها، پافشاری بر یک سبک خاص و نادیده گرفتن سبک دیگر، افراد را با ناکامی روبرو خواهد کرد (داف، ۲۰۰۴).

پیشینه پژوهش

رینالدو (۲۰۲۱)، در پژوهشی تأثیر سبک‌های یادگیری شناختی و روش‌های یادگیری ترجیحی بر عملکرد افراد را بررسی کرد و به این نتیجه دست یافت که اگرچه یادگیری فرایند رویدادی است که موجب دستیابی به نتیجه خاصی می‌شود، اما با شناسایی سبک یادگیرنده و روش‌های یادگیری

شناختی ترجیحی، می‌توان به عملکرد موفقیت‌آمیز فرد در پردازش اطلاعات دست یافت. همچنین نتایج پژوهش نشان می‌دهد که هر یک از افراد، سبک یادگیری شناختی و ترجیح‌های خاص خود را دارد. برخی از افراد سبک یادگیری برتر خود را دارند، در حالی که برخی دیگر از سبک‌های یادگیری شناختی متفاوت در وضعیت‌های مختلف استفاده می‌کنند که این نتایج با نظریه سبک‌های شناختی بر پایه مدل یادگیری تجربی کلب (۱۹۸۵) که ادعا می‌کند هر یک از افراد از سبک شناختی خاصی برخوردار هستند، ناسازگاری دارد.

زیدنی و همکاران (۲۰۲۰)، در پژوهشی تحت عنوان فراگیری از طریق تجربه به بررسی تأثیر محیط‌های یادگیری بر سبک‌های حل مسأله و تصمیم‌گیری افراد پرداختند و به این نتیجه رسیدند که عوامل مربوط به محیط‌های یادگیری مانند فراهم بودن همکاری فعال و تقویت اعتماد به نفس، بر سبک‌های حل مسأله و تصمیم‌گیری‌های مناسب افراد تأثیرگذار است و عوامل موثری در بهبود خودکارآمدی آنان است.

تانگ و همکاران (۲۰۱۹)، در پژوهشی رابطه بین راهبردهای شناختی انطباق‌یابنده با خودکارآمدی حسابرس مبتنی بر نقش تعدیل‌کننده سبک‌های شناختی را بررسی کردند. نتایج پژوهش با بهره‌گیری از روش حداقل مربعات جزئی، نشان می‌دهد که بین راهبردهای شناختی انطباق‌یابنده و خودکارآمدی حسابرس رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. همچنین، سبک‌های شناختی ارتباط مثبت راهبردهای شناختی انطباق‌یابنده با خودکارآمدی حسابرس را تحت تأثیر قرار می‌دهد و موجب تقویت مثبت این رابطه می‌شود.

دجادانگ و همکاران (۲۰۱۸)، در پژوهشی تأثیر خودکارآمدی حسابرس بر کیفیت حسابرسی با تأکید بر فرهنگ فردگرایی را بررسی کردند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که خودکارآمدی حسابرس موجب تقویت کیفیت حسابرسی می‌شود و فرهنگ فردگرایی نیز، رابطه مثبت بین خودکارآمدی حسابرس و کیفیت حسابرسی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

یوناس و اشرف (۲۰۱۶)، در پژوهشی سبک‌های حل مسأله بین دانشجویان حسابداری را بررسی کردند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که بیشتر دانشجویان پسر از سبک حل مسأله متفکر و بیشتر دانشجویان دختر از سبک حل مسأله دیداری برخوردار هستند. یافته‌ها نشان می‌دهد که بین سایر سبک‌های حل مسأله و عملکرد دانشجویان پسر و دختر تفاوت معنی‌داری وجود ندارد.

ولک و همکاران (۱۹۹۷)، در پژوهشی سبک‌های حل مسأله اساتید حسابداری و ترجیح‌های آموزشی آن‌ها را بررسی کردند. نمونه پژوهش شامل ۸۲ استاد حسابداری از دانشگاه میسوری و تنسی بود. نتایج یافته‌ها نشان می‌دهد که بیشتر استادان حسابداری از سبک حل مسأله خلاقیت برخوردار هستند که این سبک شناختی و رفتاری بر گرایش این استادان در به‌کارگیری روش‌های ابتکاری و نوین آموزشی و پژوهشی تأثیر مثبت دارد.

نعمتی کشتلی (۱۴۰۰)، در پژوهشی تأثیر استراتژی‌های یادگیری شناختی حسابرسان دیوان محاسبات ایران بر برآورد خطر تقلب را بررسی کرد. نتایج نشان می‌دهد که راهبردهای یادگیری شناختی حسابرسان دیوان محاسبات بر برآورد خطر تقلب تأثیر معنی‌دار دارند. بنابراین، راهبردهای یادگیری شناختی پژوهنده و پذیرنده به ترتیب بیشترین تأثیر را بر روی متغیر برآورد خطر تقلب دارند.

نعمتی کشتلی و همکاران (۱۳۹۹)، در پژوهشی تأثیر سبک‌های شناختی حسابرسان با رویکرد مدل یادگیری تجربی کلب بر ارزیابی ریسک تقلب را بررسی کردند. نمونه آماری پژوهش شامل ۵۳۹ نفر حسابرسان مشغول به فعالیت در موسسات حسابداری است. آن‌ها با به‌کارگیری مدل‌سازی معادلات ساختاری با بهره‌گیری از نرم افزار لیزرل دریافتند که سبک‌های شناختی بر ارزیابی ریسک تقلب تأثیرگذار است و سبک‌های جذب‌کننده، واگرا، انطباق‌یابنده و همگرا به ترتیب بیشترین تأثیر را بر ارزیابی ریسک تقلب دارند.

صفرزاده و همکاران (۱۳۹۹)، تأثیر تیپ شخصیتی حسابرسان دیوان محاسبات بر کیفیت حسابداری را بررسی کردند. نمونه پژوهش ۲۶۳ نفر از حسابرسان دیوان محاسبات کشور است که نتایج پژوهش آنان نشان می‌دهد، نوع شخصیت حسابرسان دیوان محاسبات بر کیفیت حسابداری آنان تأثیر دارد. از بین شخصیت حسابرسان دیوان محاسبات، نوع قراردادی و جستجوگر به ترتیب بیشترین و کمترین تأثیر را بر کیفیت حسابداری دارد. اما جنسیت حسابرس نقش تعدیل‌گر بر روابط بین نوع شخصیت و کیفیت حسابداری را ندارد.

نعمتی کشتلی و همکاران (۱۳۹۹)، در پژوهشی تأثیر سبک‌های شناختی حسابرسان بر اساس مدل انتریک گریگورک بر ارزیابی ریسک تقلب را بررسی کردند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد که سبک‌های شناختی حسابرسان بر ارزیابی ریسک تقلب تأثیر معنی‌دار در سطح اطمینان ۹۹ درصد دارند. بنابراین سبک‌های شناختی انتزاعی-تصادفی، انتزاعی-متوالی، عینی-متوالی و عینی-تصادفی به ترتیب بیشترین تأثیر را بر ارزیابی ریسک تقلب دارند.

صفرزاده و هوشمند کاشانی (۱۳۹۹)، ویژگی‌های حسابرس و تأثیر آن بر کیفیت حسابداری را بررسی نمودند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد که میزان دانش و آگاهی و مهارت‌های ارتباطی حسابرسان رابطه مثبت و معنی‌داری با گرایش حرفه‌ای آنان دارد. اما نوآوری و خلاقیت حسابرسان رابطه معنی‌داری با گرایش حرفه‌ای آنان ندارد. از سوی دیگر، مهارت‌های ارتباطی حسابرسان رابطه مثبت و معنی‌داری با گرایش تجاری آنان دارد. اما میزان دانش و آگاهی و خلاقیت حسابرسان رابطه معنی‌داری با گرایش تجاری آنان ندارد.

جاویدی و همکاران (۱۳۹۸)، در پژوهشی تأثیر فاصله روان‌شناختی بر قضاوت و تصمیم‌گیری در حسابداری را بررسی کردند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که فاصله روانی و سطح انتزاع حاصل

از آن به‌طور سیستماتیک، قضاوت‌ها و ارزیابی‌های تصمیم‌گیرندگان سازمانی، شامل حسابداران و مدیران را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به این ترتیب، فاصله روانی به عنوان یک منبع بالقوه برای جهت‌گیری تصمیم‌گیری در طول فرایند ارزیابی ریسک معرفی می‌شود. بنابراین، تصمیم‌گیرندگان باید بر نقش حیاتی تفسیر روانی (بازنمایی ذهنی) در قضاوت فردی و تصمیم‌گیری توجه کنند. سعیدی گراغانی و ناصری (۱۳۹۶)، در پژوهشی تأثیر تیپ شخصیتی حسابرسان بر قضاوت حرفه‌ای در تخصیص بودجه زمانی به حساب‌های دارای برآورد را بررسی کردند. یافته‌های حاصل از تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد که از بین ابعاد شخصیتی حسابرسان، تنها روان‌رنجوری با قضاوت حرفه‌ای رابطه مثبت و معنی‌داری دارد. سایر ابعاد شخصیتی مانند برون‌گرایی، انعطاف‌پذیری، توافق‌پذیری و با وجدان بودن رابطه معنی‌داری با قضاوت حرفه‌ای ندارد.

روش‌شناسی پژوهش

از روش توصیفی-پیمایشی در این پژوهش استفاده شده است. با توجه به هدف، این پژوهش از نوع پژوهش‌های کاربردی شمرده می‌شود و نتایج آن را می‌توان در راستای ارتقا و بهبود کیفیت فرایند عملیات حسابرسی مورد استفاده قرار داد. از نظر نوع داده، این پژوهش کمی و بر حسب زمان اجرای پژوهش، پژوهش یادشده مقطعی است. میانی نظری و پیشینه پژوهش به‌واسطه مطالعات کتابخانه‌ای و برای پذیرش یا رد فرضیه‌ها از روش استقرا استفاده شده است. ابزار کار پژوهش، پرسش‌نامه استاندارد است. متغیر وابسته در این پژوهش، خودکارآمدی حسابرس است و متغیر مستقل نیز سبک‌های حل مسأله (شامل سبک‌های اعتماد، گرایش، مهارگری، درماندگی، خلاقانه و اجتناب) است. در واقع، این سبک‌ها فرایند شناختی و رفتاری هستند که از طریق آن، افراد راهبردهای اثربخش خود در روبرویی با مسائل و مشکلات را تعیین کرده و سرانجام این راهبردها موجب افزایش مهارت‌های حرفه‌ای و تصمیم‌گیری‌های مناسب افراد می‌شوند (آقایوسفی و شریف، ۱۳۹۰).

داده‌های این پژوهش از طریق میدانی و ارسال پرسش‌نامه برای حسابرسان دیوان محاسبات ایران شامل حسابرسان دیوان محاسبات استان تهران و سایر استان‌های کشور در رده‌های مختلف سازمانی گردآوری شده است. برای اندازه‌گیری متغیر وابسته خودکارآمدی حسابرس، از پرسش‌نامه خودکارآمدی فردی ریگز و کنایت (۱۹۹۴) و برای اندازه‌گیری متغیر مستقل سبک‌های حل مسأله بر پایه الگوی شش مولفه‌ای شناختی و رفتاری، از پرسش‌نامه کسیدی (۲۰۰۲) استفاده شده است. این پرسش‌نامه‌ها از نظر روایی به تأیید متخصصان رسید. همچنین، با بهره‌گیری از نرم افزار لیزرل از طریق مدل‌سازی معادلات ساختاری، فرضیه‌های پژوهش مورد آزمون قرار گرفت.

جامعه آماری، حجم نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری این پژوهش، کلیه حساب‌برسان شاغل در دیوان محاسبات ایران در سال ۱۳۹۹ را تشکیل می‌دهد که با توجه به اطلاعات دریافتی از اداره کارگزینی دیوان محاسبات کشور معادل ۱۴۰۰ نفر در رده‌های مختلف شامل حساب‌برس، حساب‌برس ارشد، سر حساب‌برس، سر حساب‌برس ارشد و حساب‌برس کل هستند. در این پژوهش، از روش مشخص کردن حجم نمونه در مدل‌سازی معادلات ساختاری برای تعیین حجم نمونه استفاده شده است. به دلیل آن که روش مدل‌سازی معادلات ساختاری، تشابه زیادی با بعضی از ویژگی‌های رگرسیون چند متغیری دارد، بنابراین از قواعد این روش برای تعیین حجم نمونه در مدل‌سازی معادلات ساختاری استفاده شده است. بر اساس این روش، تعیین حجم نمونه باید برای هر متغیر اندازه‌گیری شده بین ۵ تا ۱۵ ($5q \leq n \leq 15q$) مشاهده باشد که در این صورت q تعداد متغیرهای مشاهده شده و n حجم نمونه است (هومن، ۱۳۹۵؛ چاین، ۱۹۹۸). با توجه به تعداد پرسش (گویه) های پرسش‌نامه که ۲۷ گویه است، برپایه اصول مدل‌سازی معادلات ساختاری حداقل به تعداد (5×27) ۱۳۵ نمونه نیاز است. اما به منظور تعمیم‌پذیری بهتر و دقیق نتایج پژوهش به جامعه آماری پژوهش و این که هر اندازه تعداد نمونه بیشتر باشد، قابلیت اتکا نتایج پژوهش نیز بیشتر می‌شود، تعداد ۴۵۰ پرسش‌نامه میان حساب‌برسان دیوان محاسبات ایران توزیع شد که در نهایت تعداد ۴۰۶ پرسش‌نامه برای تجزیه و تحلیل نهایی مورد استفاده قرار گرفت. همچنین از روش نمونه‌گیری احتمالی (تصادفی) ساده به منظور انتخاب آزمودنی‌ها بهره‌گیری شده است.

در این پژوهش به دلیل استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری، برای تعیین روایی پژوهش از روایی سازه استفاده شد. روایی سازه، یکی از مهمترین مقیاس‌های محاسبه روایی شمرده می‌شود. بررسی رابطه همگرایی نشانگرها با سازه با برخورداری از بارعاملی بالا، به واسطه عامل تأییدی مشخص می‌شود که این موضوع در روایی سازه بررسی می‌شود (هومن، ۱۳۹۵). بنابراین، از دو نوع روایی همگرا و واگرا در این پژوهش استفاده شد. در روایی همگرا باید نشان دهیم شاخص‌هایی که باید با یکدیگر رابطه داشته باشند، در واقعیت با هم رابطه دارند. اما در روایی واگرا یا افتراقی باید نشان دهیم شاخص‌هایی که نباید با یکدیگر رابطه داشته باشند، در واقعیت با هم رابطه ندارند. بنابراین، ضرایب معنی‌داری تمام بارهای عاملی یعنی T -Value در یافته‌های پژوهش بزرگ‌تر از $2/58$ است. یعنی تمامی بارهای عاملی با اطمینان ۹۹ درصد معنی‌دار است و همچنین، مقادیر تمام بارهای عاملی نیز بالای $0/5$ است. به دلیل آن که میانگین واریانس استخراج شده مولفه‌ها، بالای $0/5$ است و پایایی ترکیبی هر یک از مؤلفه‌ها نیز از میانگین واریانس استخراج

شده آن‌ها بیشتر است، می‌توان نتیجه گرفت که روایی همگرا سازه‌های مدل تأیید می‌شود. برای بررسی روایی واگرا با استفاده از آزمون فورنل و لارکر (۱۹۸۱)، بزرگ‌تر بودن جذر میانگین واریانس استخراج شده هر متغیر نهفته از حداکثر رابطه آن متغیر با دیگر متغیرهای نهفته، تعیین شد. از سوی دیگر، نتایج آزمون بار عرضی نیز نشان می‌دهد که بار عاملی هر متغیر مشاهده‌پذیر بر روی متغیر نهفته متناظرش حداقل ۰/۱ بیشتر از بارهای عاملی همان متغیر مشاهده‌پذیر بر متغیرهای نهفته دیگر است. بنابراین نتایج دو آزمون فورنل و لارکر و آزمون بار عرضی، روایی واگرا این پژوهش را تأیید می‌کند.

پایداری و همسویی منطقی پاسخ‌ها در ابزار اندازه‌گیری و اثبات درستی ابزار اندازه‌گیری در پژوهش از طریق آزمون پایایی تعیین می‌شود. به همین منظور، از دقیق‌ترین روش پایایی شامل روش آلفای کرونباخ و روش پایایی ترکیبی در این پژوهش استفاده شد. برپایه جدول ۱ مقادیر این دو ضریب برای کلیه سازه‌ها بالای ۰/۷ است. بنابراین، پایایی مقیاس‌های پژوهش مورد تأیید قرار می‌گیرد. به دلیل آن‌که ضریب پایایی ترکیبی خرده مقیاس‌ها بیشتر از ۰/۷ ($CR > 0.7$)، ضریب پایایی ترکیبی بیشتر از میانگین واریانس استخراج شده ($CR > AVE$) و میانگین واریانس استخراج شده نیز بیشتر از ۰/۵ ($AVE > 0.5$) است، روایی همگرا تأیید می‌شود. همچنین، از آنجا که میانگین واریانس استخراج شده خرده مقیاس‌ها بیشتر از حداکثر واریانس مربع به اشتراک گذاشته شده ($MSV < AVE$) و میانگین واریانس استخراج شده بیشتر از میانگین واریانس مربع مشترک ($ASV < AVE$) است، روایی واگرا نیز تأیید می‌شود.

جدول ۱. شاخص‌های ارزیابی روایی و پایایی الگوی اندازه‌گیری پژوهش

متغیرهای پژوهش	آلفای کرونباخ	CR	AVE	MSV	ASV
سبک اعتماد	۰/۷۱	۰/۷۹	۰/۶۴	۰/۳۹	۰/۲۵
سبک گرایش	۰/۷۵	۰/۸۱	۰/۶۲	۰/۴۲	۰/۳۱
سبک مهارگری	۰/۸۰	۰/۸۵	۰/۵۸	۰/۳۹	۰/۲۸
سبک درماندگی	۰/۷۷	۰/۸۶	۰/۶۲	۰/۳۷	۰/۳۲
سبک خلاقانه	۰/۸۱	۰/۸۳	۰/۵۸	۰/۲۷	۰/۲۵
سبک اجتناب	۰/۷۹	۰/۸۱	۰/۶۴	۰/۳۱	۰/۲۸
خودکارآمدی حسابرس	۰/۷۸	۰/۸۸	۰/۵۶	۰/۴۰	۰/۲۹

منبع: یافته‌های پژوهش

در این پژوهش متغیر وابسته خودکارآمدی حسابرسان، به عنوان باور فردی و قضاوت حسابرسان در خصوص عملکرد خود تفسیر می‌شود (پاجارس و اوردان، ۲۰۰۶). بنابراین برای اندازه‌گیری متغیر خودکارآمدی حسابرسان از پرسش‌نامه خودکارآمدی فردی ریگز و کنایت (۱۹۹۴) استفاده شده است. این پرسش‌نامه شامل سه گویه (شامل ۱- در انجام کار حرفه‌ای وظایف خود را می‌توانم به خوبی انجام دهم، ۲- برای انجام وظایف حرفه‌ای خود به شکل مناسب از صلاحیت، دانش و تخصص فنی لازم برخوردار هستم و ۳- به مهارت‌ها و توانایی‌های خودم در انجام وظایف حرفه‌ای، اطمینان دارم) است که بر مبنای طیف پنج درجه‌ای لیکرت از تماماً موافق (با نمره ۵) تا تماماً مخالف (با نمره ۱) امتیازدهی شده است. بنابراین هر اندازه نمره آزمودنی بیشتر باشد، خودکارآمدی بالاتر را نشان می‌دهد. از این‌رو میانگین و انحراف استاندارد خودکارآمدی آزمودنی‌ها در این پژوهش، به ترتیب برابر ۳/۶۹ و ۰/۷۲ است. اما متغیر مستقل سبک‌های حل مسئله به عنوان روش‌های معمول افراد برای حل مسئله، تفکر، ادراک و یادآوری تعریف می‌شود. به طوری که هر یک از این سبک‌ها بر باور حسابرسان به ظرفیت‌ها و توانایی‌های آنان در انجام دادن موفقیت‌آمیز وظایف حرفه‌ای تأثیرگذار است (آژن، ۲۰۰۵). بنابراین برای اندازه‌گیری متغیر سبک‌های حل مسئله بر پایه الگوی شش مولفه‌ای شناختی و رفتاری، از پرسش‌نامه کسیدی (۲۰۰۲) استفاده شد. این پرسش‌نامه با ۲۴ گویه شش سبک حل مسئله شامل سبک‌های اعتماد (پرسش‌های ۱ تا ۴)، گرایش (پرسش‌های ۵ تا ۸)، مهارگری (پرسش‌های ۹ تا ۱۲)، درماندگی (پرسش‌های ۱۳ تا ۱۶)، خلاقانه (پرسش‌های ۱۷ تا ۲۰) و اجتناب (پرسش‌های ۲۱ تا ۲۴) را روی یک مقیاس دو درجه‌ای (بلی و خیر) می‌سنجد. به طوری که نمره‌گذاری برای هر سبک به صورت بلی (مساوی ۲) و خیر (مساوی ۱) است. بنابراین، دامنه نمرات هر آزمودنی در هر شش سبک بین حداقل ۴ تا حداکثر ۸ قرار می‌گیرد. از این‌رو میانگین و انحراف استاندارد برای آزمودنی‌ها در این پژوهش به ترتیب برای سبک اعتماد برابر ۶/۴۹ و ۱/۱۲، سبک گرایش برابر ۶/۸۴ و ۱/۰۱، سبک مهارگری برابر ۶/۲۳ و ۱/۰۹، سبک درماندگی برابر ۵/۸۹ و ۱/۲۶، سبک خلاقانه برابر ۶/۶۱ و ۱/۰۷ و سبک اجتناب برابر ۶/۲۷ و ۱/۰۶ است.

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

همان‌گونه که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، مشخصه‌های دموگرافیک پژوهش نشان می‌دهد از مجموع نمونه آماری این پژوهش که ۴۰۶ نفر هستند، تعداد ۳۲ نفر زن و بقیه مرد هستند. سطح

تحصیلات پاسخ‌دهندگان پرسش‌نامه‌ها شامل ۵۳ درصد کارشناسی و ۴۷ درصد کارشناسی ارشد و دکتری است. سابقه کار حرفه‌ای ۴۳ درصد مشاهده است، کمتر از ۱۰ سال، ۴۰ درصد بین ۱۰ الی ۲۰ سال و ۱۷ درصد آن‌ها بیشتر از ۲۰ سال است.

جدول ۲. مشخصه‌های دموگرافیک نمونه پژوهش

سازه	گروه	مشاهدات	درصد
جنس	مرد	۳۷۴	۹۲/۱۲
	زن	۳۲	۷/۸۸
سطح تحصیلات	کارشناسی	۲۱۵	۵۲/۹۶
	کارشناسی ارشد و دکتری	۱۹۱	۴۷/۰۴
سابقه کار حرفه‌ای	کمتر از ۱۰ سال	۱۷۴	۴۲/۸۶
	بین ۱۰ الی ۲۰ سال	۱۶۲	۳۹/۹۰
	بیش از ۲۰ سال	۷۰	۱۷/۲۴
رده (پست) سازمانی	حسابرس	۱۳۴	۳۳/۰۱
	حسابرس ارشد	۸۸	۲۱/۶۷
	سرحسابرس	۹۹	۲۴/۳۸
	سرحسابرس ارشد	۷۶	۱۸/۷۲
	حسابرس کل	۹	۲/۲۲
	جمع	۴۰۶	۱۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش

همچنین رده سازمانی پاسخ‌دهندگان پرسش‌نامه‌ها ۳۳ درصد حسابرس، ۲۲ درصد حسابرس ارشد، ۲۴ درصد سرحسابرس و ۱۹ درصد سرحسابرس ارشد و ۲ درصد باقی‌مانده نیز حسابرس کل هستند. بررسی شواهد نمونه آماری پژوهش نشان می‌دهد که بیش از ۹۲ درصد از پاسخ‌دهندگان مرد هستند. به دلیل آن که ماهیت حرفه حسابرسی در دستگاه‌های اجرایی کشور، حرفه‌ای مردسالار است، بنابراین چنین توزیعی، منطقی به نظر می‌رسد. همچنین در جدول ۳، برخی از شاخص‌ها مانند میانگین، انحراف استاندارد، چولگی و کشیدگی برای متغیرهای کمی پژوهش محاسبه شده است. کمترین و بیشترین مقدار برای هر یک از سبک‌های حل مسأله به ترتیب ۴ و ۸ است که میانگین هر یک از سبک‌های اعتماد، گرایش، مهارگری، درماندگی، خلاقانه و اجتناب به ترتیب

۶/۴۹ ۶/۸۴ ۶/۲۳ ۵/۸۹ ۶/۶۱ و ۶/۲۷ است. افزون بر این، کمترین و بیشترین مقدار برای متغیر خودکارآمدی حسابرس نیز به ترتیب ۱ و ۵ است که میانگین آن ۳/۶۹ است.

جدول ۳. نتایج تحلیل توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرهای پژوهش	میانگین	انحراف استاندارد	چولگی	کشیگی	حداقل	حداکثر
سبک اعتماد	۶/۴۹	۱/۱۲	۰/۰۳	۰/۰۱	۴	۸
سبک گرایش	۶/۸۴	۱/۰۱	۰/۰۱	-۰/۱۴	۴	۸
سبک مهارگری	۶/۲۳	۱/۰۹	-۰/۰۳	-۰/۴۲	۴	۸
سبک درماندگی	۵/۸۹	۱/۲۶	۰/۰۱	-۰/۱۶	۴	۸
سبک خلاقانه	۶/۶۱	۱/۰۷	۰/۰۴	-۰/۰۱	۴	۸
سبک اجتناب	۶/۲۷	۱/۰۶	-۰/۰۲	-۰/۴۵	۴	۸
خودکارآمدی حسابرس	۳/۶۹	۰/۷۲	-۰/۰۳	-۰/۵۱	۱	۵

منبع: یافته‌های پژوهش

همچنین، از آزمون نرمالیت کولموگروف-اسمیرنوف قبل از آزمون فرضیه‌های پژوهش برای بررسی نرمال بودن توزیع داده‌های پژوهش استفاده شد. طبق نتایج به دست آمده، مقدار معنی‌داری برای کلیه متغیرهای پژوهش بیشتر از (۰/۰۵) است. بنابراین، توزیع داده‌ها برای متغیرهای پژوهش نرمال است.

آزمون همبستگی متغیرهای پژوهش

به منظور آزمون فرضیه‌های فرعی اول تا ششم پژوهش، ابتدا رابطه بین سبک‌های حل مسأله و خودکارآمدی حسابرس بررسی شد. به دلیل آن که تأثیر به بررسی روابط علی بین متغیرها می‌پردازد و تا زمانی که رابطه‌ای بین متغیرها وجود نداشته باشد، رابطه علی نیز وجود ندارد، بنابراین یکی از پیش فرض‌های بررسی تأثیر، وجود همبستگی بین متغیرهای پژوهش است (هومن، ۱۳۹۵). به همین منظور، از آزمون همبستگی پیرسون برای تعیین روابط بین متغیرهای پژوهش بهره‌گیری شد که نتایج آن در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴. همبستگی بین متغیرهای مرتبط با خودکارآمدی حسابرس

ردیف	متغیرهای مستقل	خودکارآمدی حسابرس	
		ضریب همبستگی پیرسون	سطح معنی‌داری
۱	سبک اعتماد	۰/۷۸۳ **	۰/۰۰۴
۲	سبک گرایش	۰/۷۷۱ **	۰/۰۰۰
۳	سبک مهارگری	-۰/۶۲۲ **	۰/۰۰۰
۴	سبک درماندگی	-۰/۷۵۹ **	۰/۰۰۰
۵	سبک خلاقانه	۰/۸۲۷ **	۰/۰۰۵
۶	سبک اجتناب	۰/۵۹۶ **	۰/۰۰۰

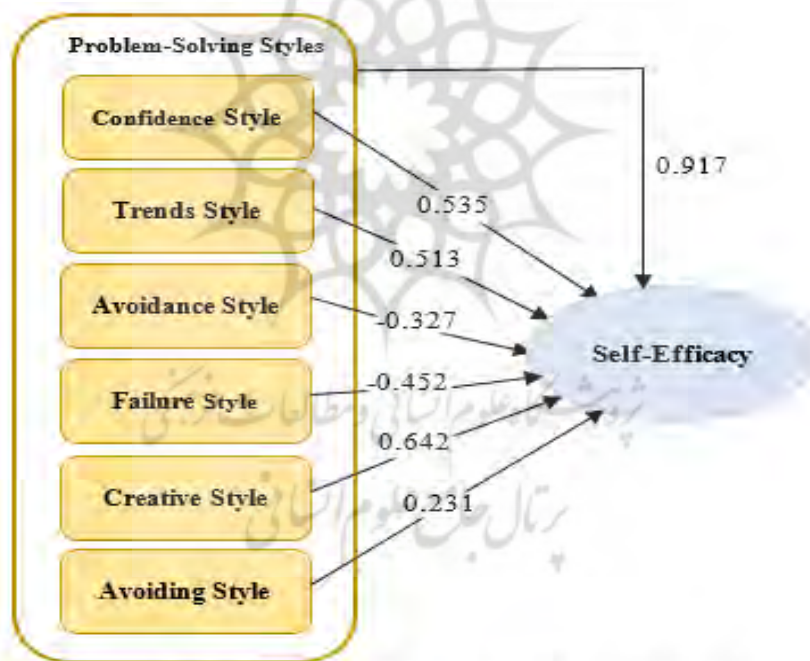
(P < ۰/۰۵ * و P < ۰/۰۱ **)

منبع: یافته‌های پژوهش

در واقع، به ترتیب سبک‌های اعتماد، گرایش، خلاقانه و اجتناب به میزان (۰/۷۷۱)، (۰/۸۲۷) و (۰/۵۹۶) با خودکارآمدی حسابرس رابطه مثبت دارند. اما به ترتیب سبک‌های مهارگری و درماندگی به میزان (-۰/۶۲۲) و (-۰/۷۵۹) با خودکارآمدی حسابرس رابطه منفی دارند. بنابراین، با توجه به کوچک‌تر بودن سطح معنی‌داری آزمون از مقدار (۰/۰۵)، می‌توان نتیجه گرفت که روابط بالا سراسر معنی‌دار هستند.

آزمون فرضیه‌های پژوهش در حالت استاندارد

با به‌کارگیری مدلیابی معادلات ساختاری تأییدی برای سنجش فرضیه‌های پژوهش، ضرایب مسیر بیانگر میزان تأثیر سبک‌های اعتماد، گرایش، مهارگری، درماندگی، خلاقانه و اجتناب بر متغیر خودکارآمدی حسابرس است. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها در حالت استاندارد در شکل ۱ ارائه شده است.



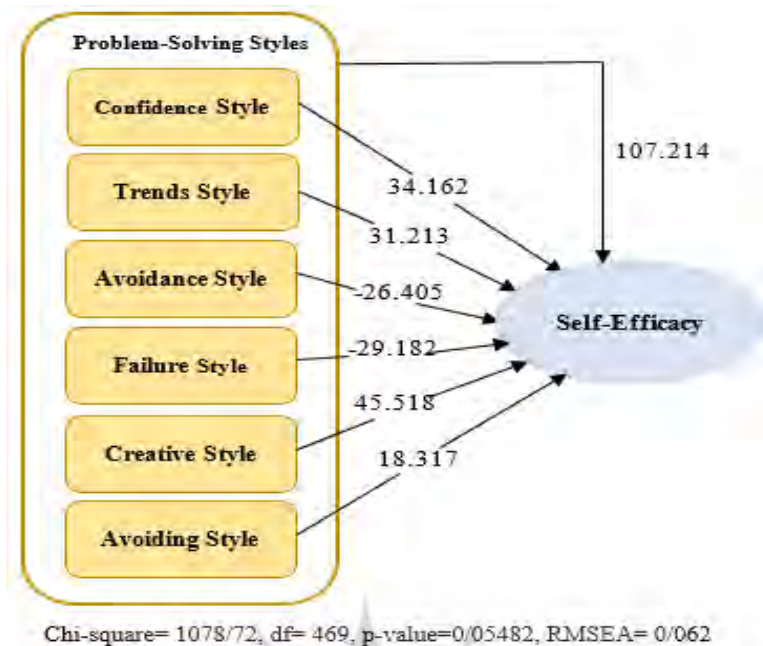
Chi-square= 1078/72, df= 469, p-value=0/05482, RMSEA= 0/062

شکل ۱. مدل پژوهش در حالت ضرایب مسیر استاندارد شده

در آزمون فرضیه فرعی اول، سبک اعتماد تأثیر مثبت (۰/۵۳۵) بر خودکارآمدی حسابرسان دارد. یعنی، با هر واحد تغییر در این سبک، متغیر خودکارآمدی حسابرسان به میزان (۰/۵۳۵) واحد و هم‌جهت با سبک اعتماد تغییر می‌کند. در آزمون فرضیه فرعی دوم، سبک گرایش تأثیر مثبت (۰/۵۱۳) بر خودکارآمدی حسابرسان دارد. یعنی، با هر واحد تغییر در این سبک، متغیر خودکارآمدی حسابرسان به میزان (۰/۵۱۳) واحد و هم‌جهت با سبک گرایش تغییر می‌کند. در آزمون فرضیه فرعی سوم، سبک مهارگری تأثیر منفی (۰/۳۲۷-) بر خودکارآمدی حسابرسان دارد. به عبارتی، با هر واحد تغییر در این سبک، متغیر خودکارآمدی حسابرسان به میزان (۰/۳۲۷-) واحد و خلاف جهت با سبک مهارگری تغییر می‌کند. در آزمون فرضیه فرعی چهارم، سبک درماندگی تأثیر منفی (۰/۴۵۲-) بر خودکارآمدی حسابرسان دارد. به عبارتی، با هر واحد تغییر در این سبک، متغیر خودکارآمدی حسابرسان به میزان (۰/۴۵۲-) واحد و خلاف جهت با سبک درماندگی تغییر می‌کند. در آزمون فرضیه فرعی پنجم، سبک خلاقانه تأثیر مثبت (۰/۶۴۲) بر خودکارآمدی حسابرسان دارد. یعنی، با هر واحد تغییر در این سبک، متغیر خودکارآمدی حسابرسان به میزان (۰/۶۴۲) واحد و هم‌جهت با سبک خلاقانه تغییر می‌کند. در آزمون فرضیه فرعی ششم نیز، سبک اجتناب تأثیر مثبت (۰/۲۳۱) بر خودکارآمدی حسابرسان دارد. یعنی، با هر واحد تغییر در این سبک، متغیر خودکارآمدی حسابرسان به میزان (۰/۲۳۱) واحد و هم‌جهت با سبک اجتناب تغییر می‌کند.

معنی‌داری مسیرها و آماره تی

در آزمون فرضیه‌های پژوهش، اگر مقدار قدر مطلق آماره T-Value مربوط به آن ضریب مسیر بزرگ‌تر از ۱/۹۶ باشد، بیانگر معنی‌داری آن است. در آزمون فرضیه فرعی اول، آماره T-Value برابر (۳۴/۱۶۲) است که این میزان از مقدار ۱/۹۶ بیشتر است. بنابراین این تأثیر از نظر آماری در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنی‌داری است. بنابراین، هرچقدر سبک اعتماد افزایش یابد، خودکارآمدی حسابرسان افزایش می‌یابد. در آزمون فرضیه فرعی دوم، آماره T-Value برابر (۳۱/۲۱۳) است که این میزان از مقدار ۱/۹۶ بیشتر است. بنابراین این تأثیر از نظر آماری در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنی‌داری است. بنابراین، هرچقدر سبک گرایش افزایش یابد، خودکارآمدی حسابرسان افزایش می‌یابد.



شکل ۲. مدل پژوهش در حالت معنی‌داری (مقدار تی)

در آزمون فرضیه فرعی سوم، آماره T-Value برابر $(-۲۶/۴۰۵)$ است که قدر مطلق این میزان از مقدار $۱/۹۶$ بیشتر است. بنابراین این تأثیر از نظر آماری در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنی‌داری است. بنابراین، هرچقدر سبک مهارگری افزایش یابد، خودکارآمدی حسابرس کاهش می‌یابد. در آزمون فرضیه فرعی چهارم، آماره T-Value برابر $(-۲۹/۱۸۲)$ است که قدر مطلق این میزان از مقدار $۱/۹۶$ بیشتر است. پس این تأثیر از نظر آماری در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنی‌داری است. بنابراین، هرچقدر سبک درماندگی افزایش یابد، خودکارآمدی حسابرس کاهش می‌یابد. در آزمون فرضیه فرعی پنجم، آماره T-Value برابر $(۴۵/۵۱۸)$ است که این میزان از مقدار $۱/۹۶$ بیشتر است. بنابراین این تأثیر از نظر آماری در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنی‌داری است. بنابراین، هرچقدر سبک خلاقانه افزایش یابد، خودکارآمدی حسابرس افزایش می‌یابد. در آزمون فرضیه فرعی ششم نیز، آماره T-Value برابر $(۱۸/۳۱۷)$ است که این میزان از مقدار $۱/۹۶$ بیشتر است. پس این تأثیر از نظر آماری در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنی‌داری است. بنابراین، هرچقدر سبک اجتناب افزایش یابد، خودکارآمدی حسابرس افزایش می‌یابد.

نتایج ضرایب مسیر و آماره t به‌دست آمده از یافته‌های پژوهش، وجود تأثیر هر شش سبک حل مسأله بر خودکارآمدی حسابرس را در سطح اطمینان ۹۹ درصد تأیید می‌کند که خلاصه نتایج در جدول ۵ ارائه شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود سبک‌های خلاقانه، اعتماد، گرایش و

اجتناب به ترتیب بر خودکارآمدی حسابرس بیشترین تأثیر مثبت را دارند و سبک‌های درماندگی و مهارگری نیز به ترتیب بیشترین تأثیر منفی را بر خودکارآمدی حسابرس دارند.

جدول ۵. شمای کلی برآیند آزمون فرضیه‌های پژوهش

نتایج	T-Value	ضرایب مسیر	نوع رابطه	تأثیر سبک‌های حل مسأله با رویکرد شناختی و رفتاری کسیدی	فرضیه‌ها	
تأیید	۳۴/۱۶۲	۰/۵۳۵	مستقیم	خودکارآمدی حسابرس	فرعی اول	
تأیید	۳۱/۲۱۳	۰/۵۱۳	مستقیم		← سبک اعتماد	فرعی دوم
تأیید	-۲۶/۴۰۵	-۰/۳۲۷	معکوس		← سبک گرایش	فرعی سوم
تأیید	-۲۹/۱۸۲	-۰/۴۵۲	معکوس		← سبک مهارگری	فرعی چهارم
تأیید	۴۵/۵۱۸	۰/۶۴۲	مستقیم		← سبک درماندگی	فرعی پنجم
تأیید	۱۸/۳۱۷	۰/۲۳۱	مستقیم		← سبک اجتناب	فرعی ششم

منبع: یافته‌های پژوهش

بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که فرضیه اصلی پژوهش را نمی‌توان رد کرد. بنابراین سبک‌های حل مسأله با رویکرد شناختی و رفتاری کسیدی بر خودکارآمدی حسابرس تأثیر دارد. از این‌رو، با توجه به ضرایب مسیر در آزمون فرضیه‌های پژوهش به ترتیب سبک‌های خلاقانه، اعتماد، گرایش، درماندگی، مهارگری و اجتناب بر متغیر خودکارآمدی حسابرس بیشترین تأثیر را دارند.

تأیید مدل‌ها

نتایج مهمترین شاخص‌های ارزیابی برازش الگوی مفهومی پژوهش در جدول ۶ ارائه شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که مقدار کای اسکوتر بر درجه آزادی از عدد ۳ کوچک‌تر و معادل $2/30$ که مقدار مناسبی است و تفاوت کم بین داده‌های مشاهده شده پژوهش با مدل مفهومی پژوهش را تأیید می‌کند.

جدول ۶. نتایج ارزیابی برازش کل الگوی مفهومی پژوهش

شاخص‌ها	اختصار	مقادیر محاسبه شده	برازش قابل قبول	وضعیت
کای اسکوتر	-	۱۰۷۸/۷۲	-	قابل قبول
کای اسکوتر بر درجه آزادی	X2/df	۲/۳۰	کم‌تر از ۳	قابل قبول
نیکویی برازش	GFI	۰/۹۳	بزرگ‌تر از ۰/۹	قابل قبول
نیکویی برازش اصلاح شده	AGFI	۰/۹۱	بزرگ‌تر از ۰/۹	قابل قبول
برازش تطبیقی	CFI	۰/۹۷	بزرگ‌تر از ۰/۹	قابل قبول
ریشه میانگین مربعات خطای برآورد	RMSEA	۰/۰۶۲	کم‌تر از ۰/۱	قابل قبول

منبع: یافته‌های پژوهش

همچنین مقدار ریشه میانگین مربعات خطای برآورد معادل $0/062$ و کوچک‌تر از $0/1$ است که هر چقدر این شاخص کوچک‌تر باشد، مدل از برازش مناسب‌تری برخوردار است. کلیه شاخص‌های

برازش مطلق و تطبیقی نیز بزرگ‌تر از مقدار $0/9$ است که نشان‌دهنده برازش مطلوب و تأیید مدل است. لذا، می‌توان نتیجه گرفت که تمامی شاخص‌ها دارای کفایت آماری بوده و همخوانی الگوی مفهومی پژوهش با داده‌های جمع‌آوری شده مورد تأیید است.

بحث و نتیجه‌گیری

فرایند تصمیم‌گیری و قضاوت حرفه‌ای حسابرسان تا حدود زیادی با به‌کارگیری فعالیت‌ها و فرایندهای شناختی و رفتاری، شکل می‌گیرد. به دلیل آن که نحوه پردازش اطلاعات توسط حسابرس به عنوان یکی از عوامل روان‌شناختی مؤثر بر قضاوت حرفه‌ای شمرده می‌شود، بنابراین توجه به سبک‌های حل مسأله برای تقویت خودکارآمدی حسابرسان و توانمندسازی روان‌شناختی آنان از طریق پردازش دقیق اطلاعات و جمع‌آوری شواهد کافی و مناسب در راستای افزایش کیفیت حسابرسی بسیار دارای اهمیت است (گلودمنز و همکاران، ۲۰۱۲). از سوی دیگر، در حسابداری یکی از ارکان اساسی فرایند پاسخ‌گویی، حسابرسی است. پاسخ‌گویی نیز مستلزم وجود اطلاعات معتبر و قابل اتکا است و قابلیت اتکا اطلاعات، مستلزم بررسی آن‌ها توسط شخصی مستقل از تهیه‌کننده اطلاعات است. در فرایند پاسخ‌گویی، حسابرسی از طریق تعیین اعتبار اطلاعات، ارزش افزوده ایجاد می‌کند که سرچشمه ارزش حسابرسی را قضاوت حرفه‌ای تشکیل می‌دهد. از این‌رو، قضاوت حرفه‌ای ممکن است تحت تأثیر شرایط مختلفی قرار گیرد. به طوری که قضاوت حرفه‌ای حسابرسان تا حدودی به ویژگی‌های شناختی و رفتاری فردی آنان بستگی دارد (اوت و همکاران، ۱۹۹۰). از این‌رو هدف از انجام این پژوهش، بررسی تأثیر سبک‌های حل مسأله بر خودکارآمدی حسابرسان دیوان محاسبات ایران است و تعیین این که کدام نوع سبک حل مسأله، بیشترین تأثیر را بر خودکارآمدی حسابرس دارد.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که در آزمون فرضیه فرعی اول، سبک اعتماد بر خودکارآمدی حسابرس تأثیر مثبت در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنی‌داری دارد. در واقع، این سبک در رتبه دوم تأثیرگذاری قرار دارد. برپایه ادبیات نظری پژوهش، حسابرسان دیوان محاسبات در این سبک برای حل مشکلات و تصمیم‌گیری‌ها به توانایی‌های خود اعتقاد دارند که این ویژگی‌ها می‌تواند موجب افزایش انگیزه‌های آنان برای کسب دانش تخصصی و مهارت‌های حرفه‌ای شود و در نتیجه خودکارآمدی افزایش و موجب ارتقا کیفیت حسابرسی شود. در آزمون فرضیه فرعی دوم، سبک گرایش بر خودکارآمدی حسابرس تأثیر مثبت در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنی‌داری دارد. در واقع، این سبک در رتبه سوم تأثیرگذاری قرار دارد. برپایه ادبیات نظری، حسابرسان دیوان محاسبات در این سبک تلاش می‌کنند به شکل مستقیم با مشکلات مقابله کنند و با نگرش مثبت به مسائل می‌اندیشند که این ویژگی‌ها موجب افزایش خودکارآمدی آنان می‌شود. در آزمون فرضیه فرعی سوم، سبک مهارگری بر خودکارآمدی حسابرس تأثیر منفی در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنی‌داری دارد. در

واقع، این سبک در رتبه پنجم تأثیرگذاری قرار دارد. برپایه ادبیات نظری، حسابرسان دیوان محاسبات در این سبک به دلیل عدم کنترل شخصی یا درونی برای مقابله با مشکلات، در انجام هرگونه فعلی ضعیف عمل می‌کنند که این ویژگی‌ها تأثیر منفی بر خودکارآمدی آنان دارد. در آزمون فرضیه فرعی چهارم، سبک درماندگی بر خودکارآمدی حسابرس تأثیر منفی در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنی‌داری دارد. در واقع، این سبک در رتبه چهارم تأثیرگذاری قرار دارد. طبق ادبیات نظری، حسابرسان دیوان محاسبات در این سبک از ویژگی‌های انفعال و کنش‌پذیری در موقعیت‌های مسأله‌زا برخوردار هستند که این ویژگی‌ها تأثیر منفی بر خودکارآمدی آنان دارد. در آزمون فرضیه فرعی پنجم، سبک خلاقانه بر خودکارآمدی حسابرس تأثیر مثبت در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنی‌داری دارد. در واقع، این سبک در رتبه اول تأثیرگذاری قرار دارد. طبق ادبیات نظری، حسابرسان دیوان محاسبات در این سبک به برنامه‌ریزی و تلاش جهت اتخاذ راه‌حل‌های متنوع بر حسب موقعیت‌های مسأله‌زا اقدام می‌کنند و این ویژگی‌ها موجب می‌شود که آنان در پردازش اطلاعات موفق عمل کنند و همچنین اعتماد به نفس و مهارت‌های حرفه‌ای آنان نیز افزایش یابد. در آزمون فرضیه فرعی ششم، سبک اجتناب بر خودکارآمدی حسابرس تأثیر مثبت در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنی‌داری دارد. در واقع، این سبک در رتبه ششم تأثیرگذاری قرار دارد. اگرچه این سبک موجب افزایش خودکارآمدی حسابرس دیوان محاسبات می‌شود، اما در کمترین رتبه تأثیرگذاری قرار دارد. چراکه برپایه ادبیات نظری، حسابرسان دیوان محاسبات در این سبک تمایل دارند به‌جای حل به‌موقع مشکلات، بررسی آن‌ها را به زمان‌های آتی بسپارند که این ویژگی‌ها موجب می‌شود آنان در مقایسه با حسابرسان دارای سبک‌های خلاقانه، اعتماد و گرایش ضعیف‌تر عمل کنند.

در همین راستا نتیجه آزمون فرضیه اصلی پژوهش نشان می‌دهد، سبک‌های حل مسأله با رویکرد شناختی و رفتاری کسیدی بر خودکارآمدی حسابرسان دیوان محاسبات ایران تأثیر دارد. یعنی به‌کارگیری حسابرسان دیوان محاسبات با سبک‌های حل مسأله متفاوت، خودکارآمدی آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از این‌رو، دستاورد این پژوهش با یافته‌های پژوهش دزوریلا و شیدی (۱۹۹۲)، سامرز و همکاران (۲۰۰۰)، لونیبرگ (۲۰۱۱) و افیقه و همکاران (۲۰۱۵) همسویی دارد. همچنین به شکل غیرمستقیم نیز با یافته‌های پژوهش نزو و دزوریلا (۲۰۰۱)، فولر و کاپلان (۲۰۰۴)، سایمون (۲۰۰۷)، رسلان و همکاران (۲۰۱۷)، مارگونایاسا و همکاران (۲۰۱۹) و زیدنی و همکاران (۲۰۲۰) همپوشانی دارد. آن‌ها در پژوهش خود به این نتیجه دست یافتند که سبک‌های حل مسأله با توانایی افراد در حل مسایل رابطه مستقیم دارد و همچنین این سبک‌ها بر تقویت مهارت‌های فردی و پردازش اطلاعات توسط حسابرسان تأثیرگذار است.

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که تفاوت در ویژگی‌های شناختی و رفتاری حسابرسان دیوان محاسبات ایران مانند سبک‌های حل مسأله طبق نظریه شناختی و رفتاری کسیدی (۲۰۰۲)، خودکارآمدی آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بنابراین، اهمیت یافته‌های پژوهش حاضر از این جهت است که خودکارآمدی حسابرسان دیوان محاسبات ایران را متأثر از سبک‌های حل مسأله بر اساس این نظریه می‌شناسد. بنابراین با توجه به مبانی نظری بیان شده و یافته‌های این پژوهش، نتایج این پژوهش مفاهیم این نظریه را وارد متون

پژوهش‌های رفتاری در حسابرسی دولتی می‌کند. همچنین با در نظر گرفتن فرضیه‌های آزمون شده در این پژوهش، پیشنهادهای کاربردی این پژوهش به شرح زیر است:

به دیوان محاسبات ایران پیشنهاد می‌شود بر اساس نتایج به‌دست آمده در فرضیه فرعی اول و با توجه به ویژگی‌ها و قرار گرفتن سبک اعتماد در رتبه دوم تأثیرگذاری مثبت بر خودکارآمدی، حسابرسان دارای این نوع سبک برای کارهای چندگانه (تحلیلی و شهودی) به کار گرفته شوند. برپایه نتایج به‌دست آمده در فرضیه فرعی دوم و با توجه به خصوصیات و قرار گرفتن سبک گرایش در رتبه سوم تأثیرگذاری مثبت بر خودکارآمدی، پیشنهاد می‌شود اولویت ارتقا رتبه شغلی حسابرسان دارای این نوع سبک افزون بر تمرکز به مهارت‌های فنی و قبولی در آزمون رتبه‌بندی کارکنان حرفه‌ای، پس از سبک‌های خلاقانه و اعتماد باشد. بر اساس نتایج به‌دست آمده در فرضیه فرعی سوم و با توجه به قرار گرفتن سبک مهارگری در رتبه دوم تأثیرگذاری منفی بر خودکارآمدی، پیشنهاد می‌شود با برگزاری کارگاه‌های آموزشی مناسب، اقدامات لازم برای تقویت و پیشرفت سبک شناختی و رفتاری این نوع حسابرسان فراهم شود. بر اساس نتایج به‌دست آمده در فرضیه فرعی چهارم و با توجه به قرار گرفتن سبک درماندگی در رتبه اول تأثیرگذاری منفی بر خودکارآمدی، پیشنهاد می‌شود با برگزاری کارگاه‌های آموزشی مناسب برای حسابرسان دارای این نوع سبک، اثرات مخرب ویژگی‌های سبک درماندگی نظیر انفعال و عدم توانایی روبرویی موفقیت‌آمیز حسابرس در وضعیت‌های مسأله‌زا بر تصمیم‌گیری و قضاوت حرفه‌ای در حسابرسی مورد گوشزد قرار گیرد. برپایه نتایج به‌دست آمده در فرضیه فرعی پنجم و با توجه به ویژگی‌ها و قرار گرفتن سبک خلاقانه در رتبه اول تأثیرگذاری مثبت بر خودکارآمدی، پیشنهاد می‌شود حسابرسان دارای این نوع سبک در اولویت اصلی استخدام قرار گیرند و همچنین این گروه از حسابرسان برای بررسی‌های تحلیلی به کار گرفته شوند. بر اساس نتایج به‌دست آمده در فرضیه فرعی ششم و با توجه به ویژگی‌ها و قرار گرفتن سبک اجتناب در رتبه چهارم تأثیرگذاری مثبت بر خودکارآمدی، پیشنهاد می‌شود با برگزاری سمینارهای تخصصی و آموزشی برای حسابرسان دارای این نوع سبک، برای بالا بردن سبک شناختی و رفتاری حسابرسان با برخورداری از سبک اجتناب گام بردارند. بنابراین با توجه به عدم رد فرضیه اصلی پژوهش، پیشنهاد می‌شود تدابیری گرفته شود تا حسابرسان با سبک‌های خلاقانه و اعتماد به دلیل بیشترین ضریب تأثیر مثبت بر خودکارآمدی فردی و ویژگی‌های این سبک‌ها، برای کارهای تحلیلی و شهودی به کار گرفته شوند. چرا که وجود همخوانی بین سبک‌های شناختی و رفتاری حسابرسان دیوان محاسبات با عملکرد آنان، موجب بررسی دقیق عدم رعایت قوانین و مقررات و کیفیت صورت‌های مالی در بخش‌های دولتی می‌شود که سرانجام کیفیت حسابرسی دولتی، بهبود می‌یابد.

برای پژوهش‌های آتی پیشنهاد می‌شود، تأثیر سبک‌های حل مسأله بر بی‌طرفی حسابرس یا سایر جنبه‌های قضاوت حرفه‌ای حسابرسان و همچنین تأثیر این سبک‌ها بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان حسابداری نیز، مورد بررسی قرار گیرد. در واقع، محدودیت ذاتی پرسش‌نامه در جمع‌آوری داده‌های پژوهش و گرایش پایین پاسخ‌دهندگان برای تکمیل پرسش‌نامه توسط جامعه آماری پژوهش، می‌تواند به عنوان محدودیت پژوهش شمرده شود.

منابع

- آقایوسفی، علی‌رضا؛ شریف، نسیم. (۱۳۹۰). رابطه سبک‌های حل مسأله و بهزیستی شخصی. *فصلنامه اندیشه و رفتار*، ۶(۲۲)، ۷۹-۸۸.
- امجدی، اکبر؛ گرکز، منصور؛ بخارائیان خراسانی، مریم؛ معطوفی، علیرضا. (۱۳۹۹). تأثیر تخصص حسابرسان دیوان محاسبات با نقش میانجی کیفیت حسابرسی عملکرد. *فصلنامه دانش حسابرسی*، ۲۰(۸۰)، ۳۱۵-۳۳۲.
- جاویدی، کاظم؛ رویایی، رمضانعلی؛ طالب‌نیا، قدرت‌اله؛ بنی‌مهد، بهمن. (۱۳۹۸). بررسی تأثیر فاصله روان-شناختی بر قضاوت و تصمیم‌گیری در حسابداری. *فصلنامه حسابداری مدیریت*، ۱۲(۴۰)، ۸۱-۹۵.
- سیف، علی اکبر. (۱۳۹۰). روان‌شناسی پرورشی نوین: روان‌شناسی یادگیری. تهران: انتشارات دوران.
- سعیدی گراغانی، مسلم؛ ناصری، احمد. (۱۳۹۶). تأثیر تیپ شخصیتی بر قضاوت حرفه‌ای حسابرس در تخصیص بودجه زمانی به حساب‌های حاوی برآورد. *دو فصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری*، دانشگاه خوارزمی، ۲(۳)، ۱۶۹-۱۸۴.
- صفرزاده، محمد حسین؛ هوشمند کاشانی، عباس. (۱۳۹۹). ویژگی‌های حسابرس و تأثیر آن‌ها بر کیفیت حسابرسی. *فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی*، ۱۷(۶۸)، ۱۴۵-۱۶۵.
- صفرزاده، محمد حسین؛ سجادی، سید حسین؛ شعبانی، محیا. (۱۳۹۹). تأثیر تیپ شخصیتی بر کیفیت حسابرسی. *دو فصلنامه حسابداری دولتی*، ۲(۱۲)، ۱۵۱-۱۶۸.
- نعمتی‌کشتلی، رضا. (۱۴۰۰). تأثیر استراتژی‌های یادگیری شناختی کرتون بر ارزیابی ریسک تقلب (مطالعه موردی: حسابرسان دیوان محاسبات کشور). *دو فصلنامه حسابداری دولتی*، ۷(۲)، ۹۴-۷۹.
- نعمتی‌کشتلی، رضا؛ حمیدیان، محسن؛ جعفری، سیده محبوبه؛ صراف، مریم. (۱۳۹۹). تأثیر سبک‌های شناختی حسابرسان بر ارزیابی ریسک تقلب (آزمون نظریه یادگیری تجربی کلب). *فصلنامه دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت*، ۹(۳۴)، ۲۷۵-۲۵۳.
- نعمتی‌کشتلی، رضا؛ حمیدیان، محسن؛ جعفری، سیده محبوبه؛ صراف، مریم. (۱۳۹۹). تأثیر سبک‌های شناختی حسابرسان بر ارزیابی ریسک تقلب (آزمون نظریه انرژی‌گریگورک). *دو فصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری*، دانشگاه خوارزمی، ۵(۹)، ۳۳-۱.
- هومن، حیدر علی. (۱۳۹۵). مدل‌یابی معادلات ساختاری با کاربرد نرم افزار لیزرل. چاپ هفتم، تهران: انتشارات سمت.

References

- Afifah, U., Sari, R.N., Anugerah, R., & Sanusi, Z.M. (2015). The Effect of Role Conflict, Self-efficacy, Professional Ethical Sensitivity on Auditor

- Performance with Emotional Quotients Moderating Variable. *Procedia Economics and Finance*, 31(2), 206-212.
- Aghaousefi, A.R., & Sharif, N. (2011). The relationship between problem-solving styles and personal well-being. *Journal of Thought and Behavior*, 6(22), 79-88. (In Persian).
- Ajzen, I. (2005). Attitudes, personality, and behavior. Berkshire: Open University Press, 17, 183-211.
- Amjadi, A., Gerks, M., Bukharaian Khorasani, M., & Matoofi, A. (2020). the effect of the expertise of auditors of the Court of Audit with the mediating role of quality audit performance. *Journal of Auditing Knowledge*, 20(80), 315-332. (In Persian).
- Bakir, I. (2000). Effect of Analytical Review Results, Optimism and Pattern for Coping on Audit Effort of accounting estimates. Ph.D. thesis, Concordia University.
- Brown, J.E., & Mann, L. (1991). Decision-making competence and self-esteem: A comparison of parents and adolescents. *J Adolescence*, 14(4), 363-371.
- Cassidy, T. (2002). Problem-solving style, achievement motivation, psychological distress, and response to a simulated emergency. *Counselling Psychology Quarterly*, 15(4), 325-332.
- Chin, w.w. (1998). Issues and opinions on structural equation modeling. *MIS Quarterly*, 22(1): vii-xvi.
- Djaddang, S., Lyshandra, S.h., Wulamdjani, H., & Sulistiawarni, E. (2018). The Relationship between Self-Efficacy towards Audit Quality with Individualism Culture as Mediates: Evidence from Indonesia. *The International Journal of Social Sciences and Humanities Invention*, 5(04), 4577-4583.
- Duff, A. (2004). The Role of Cognitive Learning Styles in Accounting Education: Developing Learning Competencies. *Journal of Accounting Education*, 22(1), 29-52.
- Dzurilla, T.J., & Sheedy, C.F. (1992). the relation between social problem-solving ability and subsequent level of academic competence in college students. *Cognitive Therapy and Research*, 16(5), 589-599.
- Elliot, T.R., Shewchuk, R.M., & Richards, J.S. (1999). The Care is given social problem-solving abilities and family member adjustment to recent onset physical disability. *Rehabilitation Psychology*, 44(1), 104-123.
- Fuller, L.R., & Kaplan, S.E. (2004). A note about the effect of auditor cognitive style on task performance. *Behavioral Research in Accounting*, 16, 131-143.
- Gheyassi, A. (2015). Relationship between self-esteem, problem-solving styles, and self-efficacy among agricultural and natural resource students at Zabul University. *Journal of Agricultural Education Administration Research*, 34, 53-64.

- Gloudmens, H.A., Schalk, R.M., & Reynaert, W. (2012). The relationship between Critical Thinking Skills and Self-efficacy of Beliefs in Mental Health nurses. *Journal of Applied Science*, 33(3), 275-290.
- Glover, S.M., & Prawitt, D.F. (2014). Enhancing Auditor Professional Skepticism: The Professional Skepticism Continuum. *Current Issues in Auditing*, 2(8), 1-16.
- Gregory, P. (2010). *The Psychology of Chronic Fatigue Syndrome*: Hallmark Press.
- Henry, J.D., & Crawford, J.R. (2005). The short-form version of the Depression Anxiety Stress Scales (Dass-21): Construct validity and normative data in a large non-clinical sample. *British Journal of Clinical Psychology*, 44, 227-239.
- Hooman, H.A. (2015). *Modeling structural equations using LISREL software (with modifications)*. Seventh Edition, Tehran: Samat Publications (in Persian).
- Javidi, K., Royaei, R.A., Talebnia, G., & BaniMahd, B. (2019). Investigating the Effect of Psychological Distance on Judgment and Decision Making in Accounting. *Management Accounting Quarterly*, 12(40), 81-95 (in Persian).
- Largo-Wight, E. (2004). *Gender differences in problem-solving abilities: Implications for health promotion*. Department of Health Education & Behavior, University of Florida, FLG room 5, Stadium Road, Gainesville, FL 32611, (352) 392-0583.
- Lunenburg, F.C. (2011). Self-efficacy in the workplace: Implications for motivation and performance. *International Journal of Management, Business, and Administration*, 14(1), 1-6.
- Margunayasa, I.G., Dantes, N., Marhaeni, A., & Sumatra, I.W. (2019). The Effect of Guided Inquiry Learning and Cognitive Style on Science Learning Achievement. *International Journal of Instruction*, 12(1), 737-750.
- Nemati Koshteli, R. (2020). The Impact of Kirton Cognitive Learning Strategies on Fraud Risk Assessment (Case Study: Auditors of the Court of Audit). *Journal of Public Accounting*, 7(2): 79-94 (in Persian).
- Nemati Koshteli, R., Hamidian, M., Jafari, S., & Srraf, M. (2020). The Impact of Auditors' Cognitive Styles on Fraud Risk Assessment (Test of Gregorc's Energy Theory). *Journal of Value and Behavioral Accounting*, Kharazmi University, 5(9), 1-33 (in Persian).
- Nemati Koshteli, R., Hamidian, M., Jafari, S., & Srraf, M. (2020). The effect of auditors' cognitive styles on fraud risk assessment (Test of Kolb Experimental Learning Theory). *Journal of Management Accounting and Auditing Knowledge*, 9(34), 253-275 (in Persian).

- Nezu, A., & Dzurilla, N. (2001). Problem-solving training. In S. Kdobsor (Ed.), *Handbook of cognitive-behavioral therapies*, New York: Guilford Press.
- Ogunyemi, A.O., & Mabekoje, S.O. (2007). Self-efficacy, risk-taking behavior, and mental health as predictors of personal growth initiative among university undergraduates. *Journal of Research in Educational Psychology*, 12, 349-362.
- Oldfield, R.C. (1971). The assessment and analysis of handedness: The Edinburgh Inventory. *Journal of Neuropsychologia*, 9(1), 97-113.
- Ott, R.L., Mann, M.H., & Moores, C.T. (1990). An empirical investigation into the interactive effects of student personality traits and method of instruction (Lecture or CAI) on student performance in elementary accounting. *Journal of Accounting Education*, 8(1), 17-35.
- Pajares, F. & Urdan, T. (2006). Self-Efficacy Belief of Adolescents. Retrieved at www.infoagepub.Com/Self-Efficacy-Beliefs-of-Adolescents.
- Parker, S.K. (1998). Enhancing role breadth self-efficacy: The roles of job enrichment and other organizational interventions. *Journal of Applied Psychology*, 83(6), 835-852.
- Pincus, K.V. (1990). Auditor individual differences and fairness of presentation judgments auditing. *A Journal of Practice & Theory*, 9(3), 150-166.
- Raslan, I., Hegazy, M., & Eldawla, M.K. (2017). Quality Control Elements and Auditor Fraud Risk Assessment: An Experimental Study. *Journal of Accounting and Finance*, 16(2), 157-178.
- Reinhold, R. (2008). Zig-Zag Problem Solving Model. [http:// www. Personalitypathways. com/article/problemsolve.html](http://www.Personalitypathways.com/article/problemsolve.html).
- Reynaldo, A.C. (2021). Learning Styles and Preferred Learning Modalities in the New Normal. *Open Access Library Journal*, 8(4), 1-14.
- Riggs, M., & Knight, P.A. (1994). The impact of perceived group success failure on motivational beliefs and attitudes: A causal model. *Journal of Applied Psychology*, 79, 755-766.
- SaeediGaraghani, M., & Naseri, A. (2016). The effect of personality type on the auditor's professional judgment in allocating time budget to accounts containing estimates. *Journal of Value and Behavioral Accounting*, Kharazmi University, 2(3), 169-184 (in Persian).
- Safarzadeh, M.H., & Hoshmand Kashani, A. (2020). Characteristics of the auditor and their effect on audit quality. *Journal of Experimental Studies in Financial Accounting*, 17(68), 145-165 (in Persian).
- Safarzadeh, M.H., Sajjadi, S.H., & Shabani, M. (2020). The effect of personality type on audit quality. *Journal of Public Accounting*, 2(12), 151-168 (in Persian).

- Saha, S., & Sharma, R.R.K. (2019). The impact of personality and cognitive style of managers on their work types. *Journal of Management Development*, 38(1), 58-71.
- Seif, A.A. (2011). *New Educational Psychology: Learning Psychology*. Tehran: Doran Publications (in Persian).
- Sekerka, L., & Bagozzi, R. (2015). Moral courage in the workplace: moving to and from the desire and decision to act. *Business Ethics: A European Review*, 16(2), 132-149.
- Simon, H. (2007). Information processing theory human problem-solving. In w. ESTES (ed). *Handbook of learning and cognitive processes*, V 15. Lawrence Erlbaum Associates.
- Stajkovic, A.D., & Luthans, F. (1998). Self-efficacy and work-related performance: A meta-analysis. *Psychological Bulletin*, 124, 240-261.
- Summers, S.L., Sweeny, J.T., & Wolk, C.M. (2000). Problem-Solving Style and Fit in Consulting and Auditing. *Journal of Information Systems*, 14(1), 1-15.
- Tang, S., Huang, S., Zhu, J., Huang, R., Tang, Z., & Hu, J. (2019). Financial self-efficacy and disposition effect in investors: The mediating role of versatile cognitive style. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2018.02705>, page 6.
- Tusheng, X., Chunxiao, G., & Chun, Y. (2020). How audit effort affects audit quality: An audit process and audit output perspective. *China Journal of Accounting Research*, 13(1), 109-127.
- Wolk, C.M., Schmidt, T., & Sweeny, J.T. (1997). Accounting educators' problem-solving style and their pedagogical perceptions and preferences. *Journal of Accounting Education*, 15 (4), 469-483.
- Woolfolk, A. (2004). What do teachers need to know about Self-Efficacy? Paper presented at the annual meeting of the American Educational Research Association, San Diego, CA.
- Younas, T., & Ashraf, S. (2016). Problem-solving styles as a predictor of life satisfaction among university students. *Pakistan Journal of Psychological Research*, 31(1), 209-222.
- Zydney, J.M., Warner, Z., & Angelone, L. (2020). Learning through experience: Using design-based research to redesign protocols for blended synchronous learning environments. *Computers & Education*, 143(1), 103-125.

COPYRIGHTS



This is an open access article under the CC-BY 4.0 license.